

بلبل باغ جنان

موهبت خداداد در بارهٔ خواجهٔ لسان‌الغیب

در اواسط مائۀ هشتم هجری ، شاه شیخ ابواسحاق اینجو در مملکت فارس سلطنت می‌کرد و سراسر جنوب ایران بعد از انحلال امپراطوری مغول به عهدهٔ خاندان اینجو قرار گرفته بود ، در شیراز مرکز سلطنت اینجو ، از ابنیهٔ قدیم ، مسجد جامع کهنسالی موجود است که از اوایل تاریخ اسلام تاکنون بنام « مسجد جامع عتیق » برجاست و آن مسجد را عمرو بن لیث صفاری بنا نهاده و هنوز در گوشه و کنار آن مسجد قسمتهایی از شبستانی وجود دارد که به قول کارشناسان ، از مآثر آن پادشاه باقیست .

در وسط این جامع تاریخی بنای مکعبی است که چهار برج مدور ، در چهار گوشهٔ آن دیده می‌شود و آنرا « خدای خانه » می‌نامند و چون مجموعه‌ای از قرآنهاي خطی و نفیس در آن قرار داشته بنام « دارالمصحف » نیز موسوم گشته است .

در برج جنوب شرقی آن بنا در کتیبه‌یی به خط ثلث زیبا بر کاشی بسیار نفیسی تاریخ بنای آن دیده می‌شود که به عربی سال اثنین و خمسین و سبعمائه (۷۵۲ هجری قمری) ثبت شده است .

گرداگرد این بنا که در وسط صحن جامع عتیق قرار گرفته کتیبه‌ای از کاشی معرق موجود است که بعضی از قطعات آن فرو افتاده بود . در سال ۱۳۵۶ هجری قمری مساری ۱۳۱۶ هجری خورشیدی که این بندهٔ نویسنده افتخار تصدی وزارت معارف و اوقاف را داشتم آن بنا به سعی و اهتمام مسیو آندره گدار رئیس کل عتیقات (باستان شناسی) تعمیر و مرمت یافت و به کوشش و قریحهٔ استادانۀ مرحوم واجد دبیر دانشمند ادبیات فارسی در شیراز قطعات محذوف آن کتیبهٔ ناقص از روی بقایای آثار موجوده بخوبی تکمیل شد که اکنون این عبارت خوانده می‌شود : « الملك المقندر . السلطان العادل القاهر جمال الدین و الصلة والدنیا ابواسحق بن شرف الدین محمود شاه » (رجوع شود به کتاب از سعدی تا جامی ص ۲۱۷) این بنا ظاهراً شش سال قبل از قتل شاه شیخ ابواسحاق که در سال ۷۵۷ ه . ق به امر امیر مبارزالدین مظفری کشته شده به اتمام رسیده است . در جنوب ایران خاندان مظفری جایگزین سلالةٔ اینجو شد و مدت هشتاد سال آل مظفر در فارس و عراق و کرمان و یزد و خوزستان سلطنت میکردند تا عاقبت به امر امیر تیمور گورکانی یکسره هلاک شدند . پس از اتمام بنای « خدای خانه » خواجه شمس الدین محمد حافظ شیرازی که وجود شریفش به زیور حسن صوت و آواز نیکو مزین بود همه هفته در شب‌های جمعه گرداگرد بنای مکتب « خدای خانه » طواف میکرد و بیاد بیت‌الله الحرام به آواز جلی سوره‌ای از قرآن مجید را از حفظ تلاوت میفرمود . نویسندهٔ این سطور ، این مطلب را از معمرین و ارباب فضل و ادب در شیراز کرا را شنیده‌ام که می‌گفتند از گوشه و کنار شهر جماعتی کثیر همه هفته

در اطراف «خدای‌خانه» اجتماع کرده و آواز لطیف و تفتنی دلنشین آن شاعر بزرگوار را که تمامی قرآن مجید را با چهارده روایت در سینه داشت استماع مینمودند . در کتب موجود تواریخ و تذکره‌های آن زمان این نکته در هیچ‌جا ذکر نشده یا بنده ندیده‌ام و این از روایاتی است که شیرازیان خلفاً عن سلف ، پسران از پدران در طول شش قرن شنیده‌اند تا به عهد ما که در حال حاضر سال ۱۳۹۷ هجری قمری است رسیده‌است و برای اثبات این مدعا که خواجه لسان‌الغیب به موهبت حسن صوت آراسته بود، هیچ‌دلیلی بهتر از روایاتی که در افواه مردم شیراز است نیست .

چندین سال قبل در حدود ۱۳۱۹ خورشیدی این بنده تحقیقی در فضایل عرفانی و کمالات اخلاقی خواجه شیراز برعهده داشتم تا آنکه مجموعه‌ای بنام درسی از دیوان حافظ گرد آمد و در مجله رسمی وزارت معارف ، تعلیم و تربیت (آموزش و پرورش) در همان اوقات به طبع رسید ، بعد از انتشار آن مقالات ، این بنده نویسنده متوجه شدم که به این فضیلت خداداد و کمال هنر خواجه شیراز اشاره‌ای نشده است، ظاهراً هنر موسیقی آن شاعر ساحر تحت‌الشعاع هنر شعر و موهبت حسن گفتار او قرار گرفته است .

در این ایام به نظر رسید که با تفحص و تصفح در دیوان لسان‌الغیب ابیاتی را که با صراحت و یا بکنایت ، خود او اشاره به این موهبت کرده است جمع آوری کند و در این اوقات که بواسطه ابتلاء به بیماری‌های گوناگون بستری و زمین گیر شده‌ام و دیوان خواجه بزرگ مونس من در بستر بیماری است ابیات مذکور را استخراج کرده به پیشگاه دلبستان به شعر و ادب و موسیقی هدیه مینمایم .

چون بر این خدمت توفیق یافتم اینک مجموعه‌ای از ابیات را در ذیل مینگارم :

۱ - ز چنگ زهره شنیدم که صبحدم می‌گفت

غلام حافظ خوش لهجه خوش آوازم

این بیت دلالت صریح بر حسن خواجه بزرگ می‌نماید و در مقطع غزلی است که استاد در هنگام غربت و مسافرت به یزد سروده است و در حقیقت یک غزل وطنی نامه است که هنر او را مسجل می‌دارد . (حافظ طبع قزوینی ص ۲۲۸) . این ابیات از آن غزل است:

نماز شام غریبان چو گریه آغازم به مویه های غریبانه قصه پردازم
بیاد یار و دیار آنچنان بگریم زار که از جهان ره و رسم سفر براندازم
هوای منزل یار آب زندگانی ماست صبا بسیار نسیمی ز خاکه شیرازم

۲ - غزل سرایی ناهید صرفه‌ای نبرد

در آن مقام که حافظ برآورد آواز

این بیت مقطع یکی از غزل‌های شیوای خواجه است که می‌گوید :

هزار شکر که دیدم به کام خویش باز ز روی صدق و صفا گشته با دلم دمساز
نکته لطیف در مورد این غزل آنست که غزلی دیگر به همان بحر و قافیه از خواجه

استاد نقل شده که اشاره به حسن صوت و احاطه او به فن موسیقی می‌کند آنجا که می‌گوید:
فکند زمزمه عشق در حجاز و عراق

نوای بانگ غزل‌های حافظ از شیراز

۳ - چنین نفس‌نه‌سزای چو من خوش‌الحنی است

روم به گلشن رضوان که مرغ آن چمنم

این بیت در غزلی است عالی که اشارت به مقامات روحانی و عوالم عرفانی استاد می‌نماید و مطلع آن این است :

حجاب چهره جان میشود غبار تنم خوشا دمی که از آن چهره پرده برکنم

۴ - سحر به طرف چمن می‌شنیدم از بلبل

نوای حافظ خوش لهجه غزلخوانش

این بیت مقطع غزلی است به مطلع :

چو بر شکست صبا زلف‌عنبر افشانش بهر شکسته که پیوست تازه شد جاننش

۵ - غزل‌گفتی و در سفتی بیا و خوش بخوان حافظ

که بر قول تو افشاند فلک عقد ثریا را

این بیت در غزل معروف به مطلع :

« اگر آن ترکه شیرازی بدست آرد دل ما را » آمده است . در نسخه های چاپی

متداول این چنین است : « که بر نظم تو افشاند فلک عقد ثریا را » ولی در یک نسخه

قدیمی (که بر قول تو افشاند ...) آمده است و این بنظر صحیح‌تر می‌نماید زیرا « قول »

مرادف با «غزل» بمعنی الحان موسیقی مکرر در ابیات حافظ آمده است مانند این بیت :

بلبل از فیض گل آموخت سخن ورنه نبود

این همه قول و غزل تبیه در منقارش

این اصطلاح در کتاب آغانی و غیر آن در زبان عرب معروف و متداول است .

۶ - تا مطربان ز شوق منت آگهی دهند

قول و غزل به ساز و نوا می‌فرستمت

این بیت در غزلی است به این مطلع :

ای هد هد صبا به سیا می‌فرستمت بنگر که از کجا به کجا می‌فرستمت

که در این بیت «قول» مرادف با «غزل» به همان معنی الحان موسیقی است .

۷ - زبور عشق نوازی نه کار هر مرغی است

بیا و نو گل این بلبل غزلخوان باش

این بیت در غزلی است لطیف که مطلع آن اینست :

اگر رفیق شفیعی درست پیمان باش حریف حجره و گرمابه و گلستان باش
معلوم می‌شود که در زمان خواجه شیراز گرمابه خصوصی معمول نبوده است! ، در
اینجا « بلبل غزلخوان » کنایه از شخص گوینده بزرگوار می‌باشد .

۸ - خوش چمنی است عارضت خاصه که در بهار حسن

حافظ خوش کلام شد مرغ سخن سرای تو

این بیت در غزلی است به مطلع :

تاب بنفشه میدهد طره مشکسای تو پرده غنچه میدرد خنده دلگشای تو
در این بیت خواجه حافظ از خود تصریح به مرغ سخن سرای خوش کلام کرده است.

۹ - غزلیات عراقی است سرود حافظ که شنید این ره دلسوز که فریاد نکرد

این بیت در غزلی است به مطلع :

یاد باد آنکه ز ما وقت سفر یاد نکرد به وداعی دل غمیده ما شاد نکرد
در این بیت کلمه « عراق » ایهام است به دو معنی : اول در اصلاح فن موسیقی ،
« پرده عراق » یکی از الحان موسیقی است . دوم - اشاره است به شاعر و عارف معروف
فخرالدین ابراهیم همدانی منخلص به عراقی متوفی ۶۸۸ ه . ق ، که دیوان او به چاپ
رسیده است و در زمان حافظ غزلیات این شاعر بزرگوار معروف بوده است (رجوع شود
به کتاب از سعدی ، تا جامی ص ۱۷۰ تا ۱۷۹) . البته هر دو معنی اشاره به صوت خوش
خواجه شیراز دارد که مقصود ماست .

۱۰ - ساقی نامه که منظومه‌ای یکسره غنایی است و در آخر دیوان حافظ طبع شده
است این منظومه خود سراپا صورت موسیقی دارد ، بیاد دارم استاد من رحمة الله علیه وقتی
می‌فرمود ساقی نامه حافظ شاهکاری است که استاد کمال فصاحت لفظی و نهایت بلاغت معنوی
خود را در آن به کار برده و احاطه او را به علم موسیقی و اصطلاحات آن هنر به وضوح
نشان می‌دهد .

برای نمونه این چند بیت که از ساقی نامه استخراج و استشهد شده است در اینجا
ذکر می‌شود .

به قول و غزل قصه آغاز کن
به ضرب اصولم بر آمد ز جای
بین تا چه گفت از حرم پرده دار
که ناهید چنگی به رقص آوری
که بیچارگان را تویی چاره ساز
که بکشایم از دیده صد زنده رود
به آهنگ چنگ آور اندر عمل

مغنی نوای طرب ساز کن
که بار غم بر زمین دوخت پای
مغنی ازین پرده نقشی بر آر
چنان برکش آهنگ این داوری
مغنی بگو قول و بردار ساز
تو بنمای راه عراقم به رود
مغنی به نظم خوشم یک غزل

که تا وجد را کار سازی کنم
 بیا ساقی از باده های کهن
 چو مستم کنی از می بی‌غشت
 به مستی ره پارسایی زخم
 که حافظ چومستانه سازد سرود
 به رقص آیم و خرجه بازی کنم
 ز جام پیاپی مرا مست کن
 همی تا بگویم سرودی خوشت
 دم خسروی در گدایی زخم
 ز چرخش دهد زهره آواز رود
 (دیوان حافظ چاپ قدسی ص ۴۴۱)

۱۱ - چو عندلیب فصاحت فرو شد ای حافظ
 تو قدر او به سخن گفتن دری بشکن
 این بیت در غزلی است به مطلع :
 کرشمه‌ای کن و بازار ساحری بشکن
 به غمزه رونق و ناموس سامری بشکن

۱۲ - بادل خون شده چون نافه خوشش باید بود
 هر که مشهور جهان گشت به مشکین نفسی
 بال بگشا و صغیر از شجر طوبی زنی
 حیف باشد چو تو مرغی که اسیر نفسی
 تا چو مجمر نفسی دامن جانان گیرم
 جان نهادیم بر آتش ز پی خوش نفسی
 این ابیات که کنایت از «خوش نفسی» و «خوشخوانی» حافظ می‌نماید در غزلی است
 به این مطلع :
 عمر بگذشت به بیحاصلی و بلهوسی
 ای پسر جام میم ده که به پیری برسی

۱۳ - ز پرده ناله حافظ برون کنی افتادی
 اگر نه همدم مرغان صبح‌خوان بودی
 در غزلی است به مطلع :
 بجان او که گرم دسترس به جان بودی
 کمینه پیشکش بندگانش آن بودی

۱۴ - سخندانی و خوشخوانی نمی‌ورزند در شیراز
 بیا حافظ که تا خود را به ملک دیگر اندازیم
 این بیت که شکوه خواججه شیراز از اوضاع زمان و مکان خود اوست در غزلی است به مطلع :
 بیا تا گل بر افشانیم و می در ساغر اندازیم
 فلک را سقف بشکافیم و طرحی نودر اندازیم

۱۵ - حیف است بلبللی چو من اکنون در این نفس
 بسا این لسان عذب که خامش چو سوسنم

این بیت نیز که در تأسف استاد از زمانه خود اوست در غزلی است به مطلع :
چل سال پیش رفت که من لاف میزنم کز چاکران پیر مغان کمترین منم

۱۶ - ساقی به صوت این غزلم کاسه میگرفت
میگفتم این سرو و می ناب میزدم

این بیت در غزلی است به مطلع :
دیشب به سیل اشک ره خواب میزدم نقشی بیاد خط تو بر آب میزدم

۱۷ - دلم از پرده بشد حافظ خوش لهجه کجاست
تا به قول و غزلش ساز و نوایی بکنیم

این بیت در غزلی است به مطلع :
ما شبی دست بر آریم و دعایی بکنیم غم هجران ترا چاره ز جایی بکنیم
نکته قابل توجه اینست که هر جا حافظ به آواز نیکوی خود تصریح کرده وصف «خوش لهجه» به کار برده است .

۱۸ - فکند زمزمه عشق در حجاز و عراق
نوای بانگ غزلهای حافظ از شیراز

در این بیت اشاره به پرده های موسیقی «حجاز» و «عراق» و «شیراز» کرده است و از غزلی است به مطلع :
منم که دیده به دیدار دوست کردم باز چه شکر گویمت ای کار ساز بنده نواز

۱۹ - بحث بلبل بر حافظ مکن از خوش نفسی
پیش طوطی نتوان صوت هزار آوا برد

این بیت در غزلی است به مطلع :
هوس باد بهارم بسوی صحرا بود باد بوی تو بیاورد و قرار ازما بود

۲۰ - ای گلین جوان بر دولت بخود که من
در سایه تو بلبل باغ جنان شدم

این بیت در غزلی است به مطلع :
هر چند پیر و خسته دل و ناتوان شدم هر گه که یاد روی تو کردم جوان شدم
در این بیت خواجه شیراز از خود به وصف «بلبل باغ جنان» تعبیر کرده است که ما هم آنرا به فال نیک از دیوان او اقتباس کرده عنوان این مقاله دادیم چه فال گرفتن از دیوان آن بزرگوار سنتی قدیم است . (پایان)